

## رایحه تعالی؛ صبر، جامع همه احکام الهی است

انسان نسبت به خود 2 رکن را باید فراهم کند؛ یعنی از نظر مسائل جهان‌بینی و عقل نظری و اعتقاد، به مرحله «ایمان» برسد و از نظر حکمت عملی هم خود را تهذیب و تزکیه نماید...



انسان نسبت به خود 2 رکن را باید فراهم کند؛ یعنی از نظر مسائل جهان‌بینی و عقل نظری و اعتقاد، به مرحله «ایمان» برسد و از نظر حکمت عملی هم خود را تهذیب و تزکیه نماید.

همین دو امر را باید در جامعه ایجاد کند تا جامعه بشود مدینه‌فاضله، و او در اثر انجام‌دادن این تعلیم و تزکیه، از خسارت‌هایی یافته باشد. اول آنکه تواصی به حق کند؛ یعنی همانطوری که خود به حق رسیده است، دیگران را تواصی به حق کند. و معنای تواصی به حق تنها این نیست که به دیگران بگوید: جهان‌بین بشوید و مؤمن بشوید و... باید توصیه عملی بکند.

البته صرف سفارش لسانی یا کتبی که به جامعه بگوید شما یاد بگیرید و مطالب را تحصیل بکنید، به نوبه خود سودمند هست ولی رسالت اصلی که انسان را از خسارت سوره عصر نجات می‌دهد، همان تواصی عملی است.

رکن دیگر آن است که یکدیگر را به «صبر» توصیه کنند. «صبر» هم چون 3 قسم است، جامع همه احکام الهی خواهد بود؛ چون صبر، هم «صبر علی الطاعت» است، هم «صبر عند المصیبت» است، هم «صبر عن المصیبت» است. وقتی صبر حاصل شد، همه بخش‌های دینی حاصل است. انجام‌دادن کارهای واجب یا مستحب دشوار است؛ صبر طلب می‌کند.

پرهیز از معصیت‌های لذیذ و گوارا دشوار است؛ صبر طلب می‌کند. تحمل آزمون‌های الهی و مسائل قضا و قدر حق سخت است؛ صبر می‌طلبد. صبر چه بر طاعت باشد، چه هنگام معصیت و شروع در گناه باشد که انسان را از گناه پرهیز می‌دهد، یا بر مصیبت باشد که حادثه تلخی روی داده است، همه اینها جزء بهترین وظایف دینی و اخلاقی است.

اگر جامعه‌ای یکدیگر را به صبر توصیه کردند، یعنی یکدیگر را به احکام و اخلاق و عبادات توصیه نمودند. این آیه سوره مبارکه والعصر، در عین حال که کوتاه است، یک متنی است جامع همه اصول علمی و عملی؛ در واقع عظمت مسئله اخلاق را بازگو می‌کند که اگر کسی تهذیب روح نکرد و متخلق به اخلاق نشد، واقعا در خسارت است.

اگر کسی متخلق به اخلاق الهی نبود، خسارت دیده است. خاسر شد، یعنی سرمایه را باخت. لذا در قیامت کسانی که خاسرند و سرمایه را باخت‌اند، از شدت افسوس، هر دو دست را گاز می‌گیرند؛ «يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلِيَّ يَدِيهِ»؛ یک انسان در دنیا که ضرر کرده است، پشیمان شده است؛ این انگشت سبابه را می‌گزد به‌عنوان «سَبَابَهُ مُتْنَدِّمًا»؛ معروف است در ادبیات؛ یعنی کسی که متندم و نادم شده است، این انگشت سبابه را می‌گزد و گاز می‌گیرد.

ولی در قیامت، انسان خسارت‌دیده از شدت پشیمانی هر دو دست را گاز می‌گیرد؛ «يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلِيَّ يَدِيهِ. وَ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي كَذَا وَ يَا لَيْتَنِي كَذَا...»؛ زیرا تمام خسارت‌ها را باخت؛ راهی برای تحصیل سرمایه نیست، راهی هم برای کسب و کار نیست. انسانی که در دنیا ورشکست شد، سرمایه را باخت، بالاخره نیروی بدنی دارد، می‌تواند از کارگری ساده خود را تأمین کند ولی اگر کسی نیروی بدنی را هم از دست داده باشد، چاره‌ای جز فقر و مذلت نیست و کسی هم نیست که به نیاز این فقیر در آن روز پاسخ بدهد؛ بنابراین لا حِئْلَةَ وَ لَا شَفَاعَةَ وَ ...

آیت‌الله جوادی آملی